

الزامات آموزش عالی ایران برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت

سیدمحمد سیدعلوی^۱ و بهناز مهاجران^۲

چکیده

جهانی‌شدن بسیاری از مسائل و مباحث جهان و مناسبات بین دولتها و ملتها را تغییر داده و تشکیل سازمان جهانی تجارت از نتایج آن در زمینه تجارت کالا و خدمات است. این سازمان که تنظیم روابط تجاری کشورهای عضو را بر عهده دارد، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات موسوم به گتس را تهیه کرده است که راهنما و چارچوبی برای تجارت خدمات بین اعضای این سازمان است. کشور ایران از سال ۱۳۸۴ به‌عنوان عضو ناظر این سازمان پذیرفته شده است و در آستانه پیوستن به این سازمان قرار دارد. خدمات آموزش عالی به‌عنوان یکی از مباحث دوازده‌گانه تجارت از پیچیده‌ترین و چالش برانگیزترین حوزه‌های تجارت خدمات به حساب می‌آید. هدف این پژوهش بررسی الزامات آموزش عالی ایران برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت بود. مسائل، مباحث و چالشهایی که ساختار آموزش ایران برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت با آن روبه‌روست و اصول تجاری حاکم بر تجارت خدمات آموزش عالی موضوع این پژوهش بود. در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای شرایط و الزامات آموزش عالی ایران در چارچوب اصول کلی موافقتنامه گتس به‌صورت تطبیقی بررسی شد. روند شکل‌گیری سازمان جهانی تجارت و جهانی‌شدن آموزش عالی مرور و درباره حوزه قوانین و مقررات آموزش عالی کشور و مطالعه تطبیقی شرایط آن با اصول کلی موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، الزامات حقوقی و مدیریتی پیوستن آن به سازمان جهانی تجارت تحقیق شد. همچنین منافع ملی و مباحث اقتصادی و قوانین محلی که آموزش عالی ایران در قالب قوانین گتس باید به آنها توجه کند، بررسی شد.

کلید واژگان: سازمان جهانی تجارت، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، گتس، الزامات آموزش عالی. ایران.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی و عضو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: mohamad.seyedalavi@srbiau.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران: behi217@yahoo.com

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۳۰ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۲/۲۰

مقدمه

آموزش عالی بالاترین سطح آموزش رسمی محسوب می‌شود که دارای بازده خصوصی و عمومی است. از این رو، بیشتر دولتها و جوامع تمایل خاصی به سرمایه‌گذاری در این حوزه و گسترش آن دارند. توجه به آموزش عالی و تأثیر آن در جامعه موجب شده است که یکی از حوزه‌های پیشرو در بحث تغییرات اجتماعی باشد (Donya-e-eqtesad). جهانی شدن یکی از مفاهیمی است که در قرن بیست و یکم وارد حوزه‌های علوم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شده و به‌صورت جدی چارچوبهای حکومتی، مرزهای جغرافیایی کشورها، هنجارهای فرهنگی و غیره را تحت تأثیر قرار داده است (Rezghi Shirsavar & Pirayanndeh, 2011, p. 25). در این فرایند هم نقش بسزایی دارد و هم از حوزه‌هایی است که بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. آموزش عالی هر جامعه‌ای بخشی از فرهنگ آن جامعه است، فرهنگی که به‌طور روزافزون به سمت جهانی شدن پیش می‌رود. از طرف دیگر، تولید و توزیع دانش به‌عنوان رسالت اصلی آموزش عالی فعالیتی جهانی است (Vaezi & Ghoronyeh, 2011, p. 51).

جهانی‌شدن در حوزه تجارت مفهوم خیلی جدیدی نیست و کشورها از دیرباز با همسایه‌ها و کشورهای دوردست مراودات تجاری داشته‌اند، ولی جهانی‌شدن به مفهوم امروزی آن تقریباً جدید است و ایده اولیه آن به اندیشه دهکده جهانی مک لوهان^۳ در دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد (Zolghadr & Ghasemzade, 2014, p. 171). که با توجه به توسعه فناوریهای ارتباطی، تجانس و نزدیکی فرهنگها، تمدنها و جوامع را پیش‌بینی کرده بود. جهانی‌شدن موجب شده است که روابط بین جوامع نزدیک‌تر شود و تصمیمات دولتها هم متأثر از تصمیم یکدیگر باشد. امروزه، بیشتر برنامه‌های ملی با توجه به مسائل و مباحث جهانی‌شدن تدوین و تأثیر آن در تمام تصمیم‌گیرها بررسی و ارزیابی می‌شود. موضوع اقتصاد و مباحث مالی مباحث عینی و قابل لمس هستند که تأثیر آن به سرعت در جامعه نمایان می‌شود. معمولاً دولتها و افراد به مباحث مالی حساسیت بیشتری دارند و در این حوزه سعی می‌کنند به مباحث قانونی و حقوقی تصمیم‌های خود توجه کنند.

موضوع موافقتنامه سازمان جهانی تجارت که به‌طور تنگاتنگ با مسائل اقتصادی و رژیم تجاری کشورها سروکار دارد، شاید رسمی‌ترین و جدی‌ترین موافقتنامه بین‌المللی کشورها برای تعامل آگاهانه و رسمی در فرایند جهانی‌شدن باشد که به‌صورت غیرمستقیم سیاست، فرهنگ و توسعه یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آموزش عالی به‌عنوان حوزه‌ای فرهنگی و خدماتی و پدیده‌ای نوظهور در تجارت جهانی نقش مهمی دارد. موضوع خدمات هم‌اکنون حدود دو سوم از فعالیتهای تجاری را در بر می‌گیرد و این در حالی است که رشد تجارت جهانی در زمینه خدمات نسبت به تجارت کالا سریع‌تر است. خدمات آموزش عالی یکی

3. Marshall McLuhan

از بخشهای خدمات آموزشی است که بر اساس موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت، اعضا موظف به آزادسازی در آن حوزه هستند. با توجه به نیاز مبرم کشورها به آموزش و خدمات آموزشی و افزایش تجارت این خدمات، در دهه‌های اخیر و نیز در جریان مذاکرات دور دوحه این بخش مورد توجه اعضای سازمان قرار گرفته است (Saadati, 2013, pp. 1-3).

سعادت‌ی در پژوهشی با عنوان «تجارت خدمات آموزش عالی در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت» با بررسی ساختار حقوقی و سازمانی سازمان جهانی تجارت و ارگان آن، درباره نظام حقوقی تجارت خدمات آموزش عالی در ساختار قوانین و مقررات سازمان جهانی تجارت و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گتس) بررسی و روند پیوستن کشورها به این سازمان و تاریخچه مذاکرات تجارت خدمات و ادبیات این حوزه را تشریح کرده است (Saadati, 2013).

اوکونگا و همکاران (Okunuga, Opara & Iyiegbuniwe, 2013) در پژوهشی با عنوان «اثر جهانی شدن در آموزش عالی: WTO / GATS و تعیین مرز ارائه آموزش عالی در نیجریه» در خصوص مباحث جهانی شدن آموزش عالی قاره آفریقا و کشور نیجریه در ساختار سازمانی جهانی تجارت و گتس، وضعیت و مشکلات آموزش عالی نیجریه برای پیوستن به این و مباحثی که در این زمینه مطرح است، بررسی کرده‌اند.

سازمان جهانی تجارت با قاعده‌مند ساختن تجارت خدمات آموزش عالی فرصت مناسبی را برای دولتها فراهم آورده است تا بتوانند تحت شرایط مناسبی این تکلیف خود را در قبال اتباعشان ادا کنند (Saadati, 2013, p. 5). در این پژوهش با بررسی ضوابط و روابط حاکم بر موافقتنامه عمومی تجارت خدمات و نیز جدول تعهداتی کشورها در زمینه تجارت خدمات آموزش عالی، شرایط و الزامات ایران برای پیوستن به این موافقتنامه و تنظیم جدول تعهداتی با سازمان و مذاکرات دوجانبه با دیگر کشورهای عضو سازمان بررسی و شرایط و مواردی که به عنوان مزیت نسبی خدمات آموزش عالی ایران محسوب می‌شوند و نیز مباحثی که برای تأمین منافع فعالان داخلی این حوزه باید به آنها توجه شود، بررسی شده است.

ادبیات پژوهش

سازمان جهانی تجارت^۴ و پیشینه آن. در اوج جنگ جهانی دوم به‌ویژه در سالهای بعد از آن تلاشهای وسیعی برای نظم بخشیدن به مناسبات بین کشورها در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی صورت گرفت. در زمینه سیاسی نتیجه این تلاشها به تأسیس سازمان ملل متحد به‌عنوان سازمانی برای مدیریت مناسبات سیاسی بین‌المللی انجامید و نتیجه این تلاشها در عرصه تجارت و بازرگانی در سال ۱۹۴۷ به تأسیس موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) منجر شد. به‌دلیل نبود مبنای حقوقی برای گات به‌عنوان یک

4. World Trade Organization -WTO

سازمان بین‌المللی از یک‌سو و نیز گسترده و پیچیده‌تر شدن مسائل مربوط به تجارت و بازرگانی بین‌المللی از سوی دیگر، ضرورت تأسیس نهادی مسئول در این زمینه در دهه آخر قرن بیستم به‌خوبی آشکار شد. بر همین اساس، اعضای گات در دور اروگوئه که آخرین دور مذاکرات تجاری گات محسوب می‌شد، با تصویب موافقتنامه مراکش سنگ بنای تأسیس نهاد جدیدی به نام سازمان جهانی تجارت را گذاشتند (Sabaghyan, 2007).

سازمان جهانی تجارت، گات و به علاوه، نظام تجارت خدمات و توافقنامه مالکیت معنوی است. گات در واقع، مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی بود که هرگز از یک مبنای حقوقی به‌عنوان نهادی بین‌المللی برخوردار نبود و به‌طور موقت شکل گرفته بود، درحالی‌که سازمان جهانی تجارت نهادی بین‌المللی با ساختار سازمانی دائمی است. این سازمان از سال ۱۹۹۵ جایگزین گات شد و یک سازمان بین‌المللی است و علاوه بر موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، در چارچوب موافقتنامه‌های متعدد دیگری بر حقوق و تعهدات اعضا نظارت می‌کند. تفاوت دیگر گات با سازمان جهانی تجارت در این است که مقررات گات فقط شامل تجارت کالاها بود، درحالی‌که موافقتنامه سازمان جهانی تجارت علاوه بر تجارت کالاها، تجارت خدمات و جنبه‌های تجاری مرتبط با مالکیت معنوی را نیز در برمی‌گیرد (Sabaghyan, 2007).

تفاوت دیگر گات با سازمان جهانی تجارت در نظام حل و فصل اختلافات است. در سازمان جهانی تجارت مقررات تفصیلی‌تر و عملی‌تری در خصوص بررسی و اجرای تصمیمات نظام حل و فصل اختلاف وجود دارد. نظام حل و فصل اختلافات این سازمان محدودیت زمانی برای بررسی تعیین کرده و از این نظر از سرعت بیشتری نسبت به نظام حل و فصل اختلافات گات برخوردار است. در این نظام که جنبه خودکار دارد، احتمال کارشکنی و تأخیر کمتر است. همچنین نهادی برای فرجام‌خواهی و بررسی نظرهای هیئت حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت وجود دارد (Sabaghyan, 2007).

اهداف سازمان جهانی تجارت. اهداف یادشده در مقدمه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت؛ یعنی مواردی همچون بالا بردن سطح زندگی مردم کشورهای عضو، فراهم کردن امکانات ایجاد اشتغال کامل، افزایش درآمدهای واقعی و بالا بردن سطح تقاضا و بهره‌برداری مؤثر از منابع جهانی و گسترش تولید و تجارت بین‌المللی نیز از اهداف سازمان جهانی تجارت است. به اضافه اینکه در این سازمان گسترش تولید و تجارت خدمات علاوه بر گسترش تولید و تجارت کالاها مد نظر قرار گرفته و استفاده از منابع جهانی هم به حمایت از محیط‌زیست و رشد پایدار مشروط شده است (The WTO and the Millennium Development Goals, 2014).

سازمان جهانی تجارت نیل به این اهداف را بر مبنای اصولی همچون اصل عدم تبعیض، اصل آزادسازی تجاری، اصل تجارت عادلانه، اصل شفافیت و اصل رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای درحال توسعه تعقیب می‌کند. البته، باید توجه داشت که بر این اصول استثنائات زیادی وارد شده است و این‌طور نیست که همه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت با هر سطحی از توسعه اقتصادی یا هر

میزان از حجم اقتصاد و تجارت به یک اندازه ملزم به رعایت این اصول باشند (The WTO and the Millennium Development Goals, 2014).

بنابراین، سازمان جهانی تجارت از طریق ایجاد یک نظام قانونی تجارت در میان کشورهای عضو، اهدافی چون اشتغال، افزایش درآمد، تقاضای مؤثر و ارتقای سطح زندگی در محیطی قابل پیش‌بینی، شفاف و قابل اطمینان را به‌عنوان هدف خود قرار داده است و برای رسیدن به سازکارهای تجاری که در اختیار دارد، تلاش می‌کند. در این حرکت سازمان تلاش می‌کند تا توسعه به نحو پایدار و با حفظ محیط زیست جهان همراه باشد (The WTO and the Millennium Development Goals, 2014).

ماده ۳ موافقتنامه عمومی تأسیس سازمان جهانی تجارت نیز وظایف و کارکردهای زیر را برای این سازمان برشمرده است که می‌توان به عنوان هدف کارکردی سازمان جهانی تجارت محسوب کرد:

- تسهیل اجرا، مدیریت و عملکرد موافقتنامه‌های سازمان و پیشبرد هدف آنها؛
- فراهم آوردن مجمعی برای مذاکرات و اعضا درباره روابط تجاری چندجانبه آنها؛
- مدیریت تفاهمنامه و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف اعضا؛
- مدیریت سازکار بررسی سیاستهای تجاری اعضا؛
- همکاری با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و مؤسسات وابسته به آن در صورت لزوم، برای دستیابی به انسجام بیشتر در سیاستگذاری اقتصادی در سطح جهانی؛
- کمک به کشورهای درحال توسعه و اقتصادهای در حال گذر برای برخورداری از مزایای نظام تجارت چندجانبه (Saadati, 2013, p. 12).

تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت. خدمات در جوامع امروزی نقشی همپای کالا و تولیدات صنعتی دارد. کشورهایی چون ایالات‌متحده، ژاپن و بخش عمده‌ای از اقتصاد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۵ به بخش خدمات به‌خصوص صادرات خدمات متکی است. تافلر (Toffler, 1981) مشخصه اصلی کشورهای موج سوم را پیشی گرفتن بخش خدمات از بخش صنعتی می‌داند.

بخش خدمات و تجارت آن در بحث توسعه اقتصاد، اشتغال و ایجاد فرصتهای جدید شغلی اهمیت ویژه‌ای دارد. این بخش به خودی خود ماهیتی ندارد، بلکه به‌دلیل نقش آن در فرایند تولید کالاها اهمیت دارد. البته، نمی‌توان مرزی مشخص بین کالا و خدمات قایل شد، ولی ویژگی بارزی که خدمات را از کالا متمایز می‌کند، قابل لمس بودن آن است. خدمات قابل لمس نیست، ولی حقیقت دارد، پس می‌تواند داد و ستد و منتقل شود. خدمات به‌طور معمول از کالاهای تولید شده جدا نیستند، بلکه همزمان با کالاها عرضه می‌شوند (CARICOM, 2002).

5. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

خدمات گروه متفاوتی از فعالیتهای اقتصادی است که به طور مستقیم با بخشهای تولید کالا، کشاورزی، معدن و... مرتبط نیست، بلکه این گروه بیشتر ارزش افزوده فعالیتهای بشری را در حالت کار کردن، مشاوره دادن، تحصیل و آموزش، کارهای مدیریتی و نظارتی شامل می‌شوند (OECD, 2007). از نظر ماده ۱ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، تجارت خدمات عبارت است از:

- از قلمرو یک عضو به قلمرو هر عضو دیگر است؛
- در قلمرو یک عضو به مصرف‌کنندگان خدمات هر عضو دیگر است؛
- توسط عرضه‌کننده خدمت یک عضو از طریق حضور تجاری در قلمرو هر عضو دیگر است؛
- توسط عرضه‌کننده خدمت یک عضو از طریق حضور اشخاص حقیقی یک عضو در قلمرو هر عضو دیگر است (<http://irtr.gov.ir/Default.aspx?tabid=3970>).

توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) فقط قواعد مربوط به تجارت کالا را پوشش می‌داد. قبل از مذاکرات دور اروگوئه، جنبه بین‌المللی تجارت خدمات به صورت جدی بررسی نشده بود. پیشرفتهایی که در حوزه حمل و نقل و ارتباطات به وجود آمد، موجب شد که به این موضوع نیز به‌عنوان یک بخش تجاری با ارزش مالی بالا توجه شود.

مخالفت اولیه بسیاری از کشورها با طرح موضوعات فرهنگی، حاکمیت مالی و نبود توان رقابتی در کشورهای در حال توسعه موجب شد که با طرح این موضوع مخالفت بشود، ولی بالاخره، با اصرار کشور آمریکا و توافقی که این کشور با کشورهای اروپایی داشت، این موضوع در سال ۱۹۸۳ به صورت رسمی مطرح و همزمان با شکل‌گیری سازمانی جهانی تجارت مراحل این توافقنامه نیز نهایی شد (Saadati, 2013, p. 27). مهم‌ترین سند در حوزه تجارت بین‌المللی خدمات در میان دولت‌ها محسوب می‌شود. گتس توافقنامه‌ای شامل قواعد و اصول حاکم بر تجارت بین‌المللی خدمات و توصیه و رهنمودهایی برای آزادسازی هرچه بیشتر خدمات است (Vik, 2006, p. 44).

توافقنامه گتس سه بخش کلی دارد: بخش اول آن چارچوب و مقررات حاکم بر روابط تجاری است که تقریباً باید به‌طور یکسان برای همه اعضا اعمال شود و برای همه لازم اجراست. بخش دوم آن پیوسته‌هایی است که درباره هر یک از بخشهای خدمات موضوعات مرتبط و سیاستها را مشخص می‌کند و بخش سوم جدول تعهدات کشورهای مختلف است که برای هر یک از اعضا جداگانه تنظیم شده است. تجارت خدمات آموزش در سازمان جهانی تجارت. خدمات آموزشی یکی از قدیمی‌ترین انواع خدماتی است که از زمانهای قدیم در جوامع رواج و عرضه تجاری آن عمومیت داشته است. در ساختار جدید جوامع، عرضه تجاری خدمات آموزشی شکل کامل‌تری یافته و روابط حاکم بر این عرضه و تقاضا به آن شکل فعالیت تجاری بخشیده است. امروزه، خرید خدمات آموزشی مانند هر کالایی دیگر کاملاً رواج

6. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

7. General Agreement on Trade in Services (GATS)

یافته و پذیرفته شده است. موضوع تجارت خدمات آموزشی به‌عنوان یکی از بخش‌های دوازده‌گانه خدمات مشمول تجارت آزاد می‌شود و در توافقنامه گتس به‌طور کلی، شامل پنج زیربخش خدماتی به قرار زیر است:

۱. خدمات آموزش ابتدایی^۸؛
۲. خدمات آموزش متوسطه^۹؛
۳. خدمات آموزش عالی^{۱۰}؛
۴. خدمات آموزش بزرگسالان^{۱۱}؛
۵. سایر خدمات آموزشی.

خدمات آموزش عالی را عموماً دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی عرضه می‌کنند و روابط تجاری بر آن حاکم است. تقریباً هیچ‌یک از انواع خدمات آموزش عالی در نوع خود رایگان نیست و بهترین حالت آن این است که یک پشتیبان یا دولت تأمین هزینه‌های آن را از محل بودجه خود تقبل کند. موضوع آموزش عالی رایگان به سرعت در حال رنگ باختن است و مانند گذشته طرفداران زیادی ندارد. بر عکس خدمات آموزش عمومی که غالباً طرفدار رایگان و دولتی بودن آن هستند، امروزه بسیاری طرفدار مشارکت بیشتر دانشجویان در تأمین هزینه‌های آموزش عالی هستند و معتقدند که برعکس بخش خدمات آموزش عمومی بازده خصوصی آموزش عالی به نسبت بیشتر است و از این رو، دانشجویان و دریافت‌کنندگان این خدمات نیز باید تمام یا بخشی از هزینه‌های آن را تأمین کنند.

تجارت خدمات آموزش عالی طی سالیان گذشته اهمیت بیشتری پیدا کرده است. روند رو به رشد مراکز آموزش عالی کشورهای مختلف به‌خصوص کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، جذب دانشجویان خارجی و حضور شعبه‌های دانشگاههای کشورهای مختلف در کشور دیگر نشانه‌های آشکار تجارت در سطح خدمات آموزش عالی است. برای مثال، اعزام دانشجو به خارج از کشور، به‌ویژه کشورهای پیشرفته، زمینه‌های بین‌المللی کردن هرچه بیشتر آموزش عالی و تربیت شهروندان جهانی را فراهم کرده است، به‌نحوی که تعداد دانشجویانی که کشور دیگری را برای تحصیلات دانشگاهی انتخاب کرده‌اند، از دو میلیون نفر در سال افزایش یافته است (Naderi & Esmailiniya, 2011, p. 3).

در دلایل تحصیلی بر این امر تأکید می‌شود که برای تقویت آموزش آزاد ضروری است که فرصتهایی برای دانشجویان فراهم شود تا آنها جهان‌بینی جامع و متنوعی را کسب کنند، ابعاد بین‌المللی رشته اصلی مورد مطالعه خود را درک کنند و مهارت‌های تفکر جهانی و انتقادی را ایجاد سازند. در دلایل اجتماعی-فرهنگی بر این نیاز تأکید می‌شود که مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی دانشجویان بهبود یابد تا آنها تنوع

8. Primary Education
9. Secondary Education
10. Higher Education
11. Adult Education

فرهنگی و اخلاقی روزافزونی را که در داخل یک کشور و همچنین بین کشورهای مختلف وجود دارد، مد نظر قرار دهند (Naderi & Esmailiniya, 2011, p. 6).

رهبران آموزش عالی به‌طور روزافزون بنا به دلایل اقتصادی، سیاسی، تحصیلی و اجتماعی - فرهنگی در تلاش برای بین‌المللی کردن مؤسسه‌های خود هستند. دلایل اقتصادی در برگزیده تمایلات مربوط به آماده‌سازی دانشجویان برای شغل‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، کسب درآمد برای مؤسسه و مشارکت در توسعه اقتصادی و رقابت در عرصه‌های بین‌المللی است (Childress, 2009, p. 289). بسیاری از دانشگاهها با بین‌المللی ساختن دانشگاه خود می‌توانند به دانشجویان کمک کنند تا دانش، مهارت‌ها و تجارب مورد نیاز را کسب کنند و برای رقابت در اقتصاد جهانی آماده شوند و اعضای سودمند برای جامعه جهانی باشند (Bendriss, 2007, p. 1).

اگرچه مباحث آموزشی، فرهنگی و اجتماعی در دانشگاهها و جهانی‌شدن آنها بی‌تأثیر نیست و جزو اهداف بین‌المللی شدن دانشگاهها محسوب می‌شود، ولی نباید به پدیده جهانی‌شدن دانشگاهها فارق از مباحث مالی و اقتصادی آن پرداخت. روند رو به رشد خصوصی‌سازی در حوزه آموزش عالی به همراه گسترش فناوری ارتباطات و جهانی‌شدن موجب شده است که دانشگاهها برای تجارت بین‌المللی خود برنامه‌ریزی کنند.

نایت (۲۰۰۷) معتقد است که اگر تأمین بودجه و پشتیبانی مالی برای آموزش عالی به‌عنوان یک تغییر و چالش برای بین‌المللی شدن شناخته نشود، درباره موضوع مهمی غفلت می‌شود. در این میان، گرایشهای متعددی وجود دارند که با هم همسو هستند و تأثیر عمده‌ای دارند. تقاضای روزافزون برای فرصتهای آموزش عالی محدودیتهای مهمی برای دولتها به‌منظور پاسخگویی به این نیاز عمومی ایجاد کرده است. شاخصهای جهانی حاکی از آن است که نرخ تأمین منابع مالی برای بخش آموزش از سوی سرمایه‌گذارهای خصوصی بسیار سریع‌تر از تأمین بودجه عمومی در حال رشد است (Naderi & Esmailiniya, 2011, p. 7). جهانی‌شدن و عضویت در سازمان جهانی تجارت برای کشورهایی مانند آمریکا، استرالیا و حتی کشورهای در حال توسعه مانند سنگاپور، مالزی و ترکیه فرصتی را فراهم کرده است تا آنها از محل تجارت خدمات آموزش عالی سود و اشتغالزایی کسب کنند.

آموزش عالی و تجارت جهانی

جهانی‌شدن آموزش عالی: هر چند که ارتباطات بین‌المللی در حوزه آموزش و به‌خصوص آموزش عالی حتی پیشتر از موضع سازمان جهانی تجارت وجود داشته، ولی تأثیر ارتباطات و به‌خصوص اینترنت و فضای وب در زمینه آموزش بسیار قابل‌لمس است. موضوع اقتباس منابع درسی و ساختارهای آموزش عالی در گذشته نیز وجود داشت و امری پذیرفته شده بود و بسیاری از کشورها از تجربه‌ها و یافته‌های علمی دانشگاهها بهره‌مند می‌شدند، اما جهانی‌شدن چیزی است که به عقیده تیلاک (Tilak, 2011, p. 29) بالاترین سطح درجه ارتباط دانشگاههاست. به اعتقاد وی جهانی‌سازی آموزش عالی جریان ترکیب

بین‌المللی و بین فرهنگی در آموزش، پژوهش و عملکرد سازمانی مؤسسات آموزش عالی است (Tilak, 2011, p. 30).

بعد بین‌المللی آموزش عالی روز به روز مهم‌تر، پیچیده‌تر و مبهم‌تر می‌شود و عوامل اصلی این تغییر را می‌توان در توسعه خدمات ارتباطی و اطلاعاتی پیشرفته، جابه‌جایی روزافزون نیروی کار بین‌المللی، تأکید زیاد بر تجارت آزاد، تمرکز بر جامعه دانش‌بنیان، افزایش سطوح سرمایه‌گذاری خصوصی و کاهش حمایت‌های دولتی از بخش آموزش و یادگیری مادام‌العمر دانست (Knight, 2004, p. 5). نایت معتقد است که از نیمه دهه ۱۹۸۰ جهانی‌شدن آموزش عالی به‌نوعی شروع شده است، ولی از مجموعه اتفاقات زیر می‌توان به عنوان نشانه‌های جهانی‌شدن آموزش عالی نام برد (Knight, 2004, p. 352):

- افزایش تعداد دانشجویان، استادان و پژوهشگرانی که در طرح‌های جابه‌جایی دانشگاهی^{۱۲} مشارکت می‌کنند؛
- افزایش تعداد دوره‌های مطالعاتی، برنامه‌ها و مدارک تحصیلی که بر موضوعات تطبیقی و بین‌المللی متمرکز هستند؛
- افزایش ارائه برون‌مرزی برنامه‌های تحصیلی؛
- افزایش تمایل کشورها برای پذیرش دانشجویان خارجی؛
- افزایش تعداد مدرک‌های مشترک^{۱۳}؛
- گسترش همکاریها، نمایندگیها^{۱۴} و پردیسهای تابع برون‌مرزی^{۱۵}؛
- بنیان نهادن سازمانهای ملی جدید به‌منظور تمرکز بر آموزش بین‌المللی؛
- سیاستها و برنامه‌های جدید دولتها در سطح منطقه‌ای و ملی که از جابه‌جایی دانشگاهی و سایر اقدامات بین‌المللی در زمینه آموزش عالی حمایت می‌کند (Naderi & Esmailiniya, 2011, p. 3).

آنچه نایت (Knight, 2004) به‌عنوان نشانه‌های آموزش عالی بیان می‌کند، موضوعاتی هستند که امروزه، تمام دانشگاهها با یک و چند گوته از آنها مواجه‌اند. این مباحث فقط دغدغه مؤسسات عالی محسوب نمی‌شود، بلکه در سطح ملی از بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملتها و دولتها را نیز به خود مشغول کرده است، چرا که آموزش عالی به‌صورت مستقیم به موضوع آینده کشور و شهروندان مرتبط است. این دغدغه هیچ‌گاه در گفتمان میان دولتها مغفول نمانده است و در همه آثار مربوط به جهانی‌شدن در کنار مزایا و نقاط قوت آن بیان می‌شود.

12. Academic Mobility
 13. Joint/Double Degree
 14. Franchises
 15. Offshore Satellite

جوامع امروزی دریافته‌اند که به‌تنهایی قادر به پاسخگویی نیازهای بشری نیستند و حرکت رو به رشد جوامع نیازمند خارج شدن از لاک ملی‌گرایی است. پاشنه آشیل پیشرفت جوامع امروزی تکیه بر دانش و ارتباطات است. بشر در سالیان گذشته با تکیه بر دانش منطقه‌ای و محلی خود توانست بسیاری از مشکلات خود را حل کند و در ادامه مسیر، پیشرفت فناوری و گسترش و توسعه ارتباطات موجب تسریع در روند توسعه جوامع شد و با اشتراک دانش در بعد جهانی، توسعه جهانی روند شتابانی را به خود گرفت است. مزیت‌های جهانی شدن موجب نشده است که دولت‌ها از توجه به جنبه‌های مالی، اقتصادی و ملی‌گرایی غافل شوند، بلکه اگر بخواهیم واقع‌بینانه به موضوع نگاه کنیم، اصل موضوع این است که هدف غایی جهانی شدن منافع فردی و ملی است؛ بدین صورت که دولت‌ها و ملت‌هایی که منافع آنها در روند جهانی شدن تأمین نشود، حتماً با نگاه از زاویه تهدید در مسیر آن قرار نخواهند گرفت؛ پس لازم است که ساختارهای اجتماعی به نحوی سازماندهی شود که در فرایند جهانی شدن منافع جامعه حفظ شود (Dabirimer, 2006).

روش‌های تجارت آموزش عالی: بین‌المللی کردن آموزش عالی شامل فعالیت‌های علمی، ترویج نوآوری و درک متقابل فرهنگ‌های مختلف با هدف بهبود زندگی و رفاه بشر است (Arasteh, 2008, p. 40). در دلایل سیاسی، به‌ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، بر آماده کردن دانشجویان از طریق آگاهی از فرهنگ‌های دنیا و کسب مهارت‌های ضروری برای توجه به امنیت ملی و مسائل مربوط به سیاست‌های خارجی تأکید می‌شود که همزمان با بحث جهانی شدن، سازمان جهانی تجارت به‌منظور عینیت و رسمیت بخشیدن به جریان‌های تجارت بین‌الملل فعالیت‌های خود را شروع کرده است. هدف عمده این سازمان تأمین منافع اقتصادی و تجاری اعضا در بستر حقوقی قانونمند است تا همه اعضا بتوانند با التزام به قوانین شفاف این سازمان از منافع تجارت آزاد جهانی بهره‌مند شوند. آموزش عالی یکی از حوزه‌های بالقوه برای شرکت در فعالیت تجارت جهانی خدمات است و اعضای این سازمان برای بهره‌مندی از این فضا در حال برنامه‌ریزی هستند.

موضوع تجارت خدمات در سازمان همانند تجارت کالا سطوح ساده‌ای ندارد. لازمه تجارت کالا عبور کالا از مرز یک عضو به مرز یک عضو دیگر است، اما تجارت خدمات به روش‌های مختلف انجام می‌شود. ماهیت غیر فیزیکی بودن خدمات و فناوری‌های ارتباطی موجب شده است که روش‌های تجارت خدمات و شناسایی آنها پیچیده‌تر شود. تجارت آموزش عالی نیز همانند سایر خدمات از این پیچیدگی مستثنا نیست. به‌طور کلی، با استفاده از تعریف تجارت خدمات که در ماده ۱ توافق‌نامه آمده است، چهار شیوه صادرات و واردات خدمات را بین اعضا می‌توان شناسایی کرد که عبارت‌اند از (Tilak, 2011, pp. 32-35):

۱. شیوه عبور از مرزها^{۱۶}؛
۲. شیوه مصرف در خارج^{۱۷} یا حضور مشتری در داخل مرز ارائه‌کننده خدمات؛

16. Cross-border

17. Consumption Abroad

۳. حضور تجاری و تأسیس نمایندگی یا شرکت^{۱۸}؛

۴. جابه‌جایی اشخاص^{۱۹}.

۱) خدمات آموزش عالی به شیوه عبور از مرزها: در این شیوه هم دانشگاه ارائه‌کننده خدمات است و هم دانشجو از مرزهای خود خارج نمی‌شود، بلکه با استفاده از وسایل ارتباطی دو طرف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (Saadati, 2013, p. 38). این روش یکی از مطلوب‌ترین روشهای آموزش امروزی است و به دلیل کاهش جابه‌جایی فیزیکی برای هر دو طرف مطلوب است. امروزه، بسیاری از دانشگاهها واحد آموزش الکترونیکی^{۲۰} خود را راه‌اندازی کرده‌اند تا بدین وسیله به بخشی از متقاضیان که محدودیتهای مسافرت و جابه‌جایی دارند، بتوانند آموزشهای مورد نیاز خود را ارائه دهند (Teymuri, 2013). این روش در بخش عمده‌ای از خدمات مشاوره‌ای و تحقیقاتی و آموزشهای غیر رسمی رواج دارد و در حال حاضر، بخشی از آموزشهای رسمی و دانشگاهی نیز به این روش ارائه می‌شود. یکی از معایب عمده این روش فقط ارائه آموزش صرف است و دیگر کارکردهای دانشگاه نظیر ارتباطات فرهنگی و مباحث زندگی دانشجویی در آن مغفول می‌ماند.

۲) خدمات آموزش عالی به شیوه مصرف در خارج از مرز: در این روش دریافت‌کننده خدمات برای دریافت خدمات مورد نیاز خود در کشور ارائه‌کننده خدمات حضور می‌یابد (Saadati, 2013, p. 38) و معمول‌ترین و متداول‌ترین روش استفاده از خدمات آموزش عالی در حال حاضر محسوب می‌شود. در این شیوه دانشجو به کشور مورد نظر خود مهاجرت و در دانشگاه مورد نظر خود ثبت نام می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که کشورهای توسعه یافته در جذب دانشجویان خارجی در حال رقابت و تلاش هستند تا سهم بیشتر از این بازار را به‌دست آورند. در جدول ۱ جایگاه ۱۰ کشور برجسته در جذب دانشجویان خارجی در سال ۲۰۰۸ به ترتیب نشان داده شده است. با مقایسه اطلاعات جدول ۱ با جدول ۲ که مربوط به سال ۲۰۱۲ است، می‌توان میزان تغییرات و جایگاه کشورها را در مدت چهار سال مقایسه کرد. اطلاعات این نمودار نشان می‌دهد که بجز دو کشور آمریکا و بریتانیا که همچنان در صدر قرار دارند، جایگاه کشورهای دیگر تغییر یافته است.

18. Commercial Presence

19. Movement of Natural Persons

20. E-Learning

جدول ۱- آمار ده کشور برجسته در زمینه جذب دانشجویان خارجی در سال ۲۰۰۸

(Tilak, 2011, p. 76)

جایگاه	نام کشور	تعداد دانشجویان	درصد سهم جذب از کل
اول	آمریکا	۶۳۴/۵	۲۱/۱
دوم	بریتانیا	۳۴۱/۸	۱۱/۵
سوم	فرانسه	۲۴۳/۴	۸/۲
چهارم	استرالیا	۲۳۰/۶	۷/۸
پنجم	آلمان	۱۸۹/۳	۶/۴
ششم	ژاپن	۱۲۶/۵	۴/۳
هفتم	کانادا	۶۸/۵	۲/۳
هشتم	آفریقای جنوبی	۶۳/۹	۲/۲
نهم	فدراسیون روسیه	۶۰/۳	۲/۰
دهم	ایتالیا	۵۷/۳	۱/۹

جدول ۲- وضعیت و جایگاه ۲۲ کشور برجسته در زمینه جذب دانشجویان خارجی در سال ۲۰۱۲

(UK Higher Education International Unit, 2013)

نام کشور	درصد سهم جذب از کل
ایالات متحده	۱۶/۶
بریتانیا	۱۳
استرالیا	۶/۶
آلمان	۶/۴
فرانسه	۶/۳
کانادا	۴/۷
روسیه	۳/۹
ژاپن	۳/۴
اسپانیا	۲/۴
چین	۱/۸
نیوزلند	۱/۷
ایتالیا	۱/۷
اتریش	۱/۷
آفریقای جنوبی	۱/۵
کره جنوبی	۱/۴
سوئیس	۱/۳
بلژیک	۱/۳
هلند	۱/۲
سوئد	۱/۱
سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	۶/۴
کشورهای غیرعضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	۱۵/۵
جمع کل	۱۰۰

۳) خدمات آموزش عالی به شیوه حضور تجاری: در شیوه حضور تجاری عرضه خدمات در قالب تأسیس شعبه یا دفتر نمایندگی در داخل مرزهای یک عضو دیگر صورت می‌گیرد. در این شیوه با آنکه خدمات را شرکت مقیم ارائه می‌کند، ولی به‌نوعی سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شود و از این رو، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به این شیوه تمایل دارند و نوعی فرصت برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود (Saadati, 2013, p. 39).

در زمینه خدمات آموزش عالی نیز این شیوه از چندین سال قبل مرسوم بوده است و دانشگاه‌های معتبر بنا به تصمیم خود یا دعوت یک کشور دیگر شعبه‌ای از دانشگاه در آن کشور تأسیس می‌کنند. در این روش دانشگاه میهمان معمولاً به آموزش دانشجویان با استفاده از سرفصلها و منابع آموزشی و نیز هیئت‌علمی خود اقدام می‌کند. در این شیوه دانشگاه میهمان باید به قوانین داخلی و رعایت موازین آموزشی کشور مقصد پایبند باشد. از این رو، این روش مستلزم هزینه برای دانشگاه است و در مواقعی به دلیل ضعف قوانین و زیرساختهای کشور مقصد دانشگاهها تمایلی به اجرای چنین روشی ندارند (Tilak, 2011, p. 34). کشور امارات متحده عربی با اصلاح بخشی از نارساییهای حقوقی و محلی در این زمینه توانسته است شعبه‌هایی از دانشگاههای مطرح اروپایی و آمریکایی را جذب کند. دانشگاه آزاد اسلامی نیز با راه‌اندازی واحدهای خارجی در کشورهای امارات متحده عربی، بریتانیا (واحد آکسفورد)، واحد زنگبار و واحد لبنان توانسته است برنامه‌هایی برای حضور در کشورهای مختلف را اجرا کند که به‌عنوان تجربه‌ای برای کشور مفید خواهد بود.

۴) خدمات آموزش عالی به شیوه جابه‌جایی اشخاص: در این شیوه عرضه‌کننده خدمات در شکل یک کشور به‌صورت موقتی و غیر مقیم برای ارائه خدمات خود حضور می‌یابد (Saadati, 2013, p. 39). این شیوه در حوزه‌های پزشکی، خدمات مشاوره صنعتی و پروژه‌های صنعتی بسیار متداول است. در حوزه خدمات آموزش عالی چندان عمل به شیوه‌ای که در این توافقنامه ذکر شده است، مرسوم نیست، ولی استفاده دانشگاهها از استادان مختلف علوم در تدریس و راهنمایی رساله‌های دکتری دانشجویان دانشگاههای داخلی را می‌توان به‌نوعی در ذیل این روش بررسی کرد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای انجام شد. برای اجرای پژوهش با مطالعه اسناد و مدارک موجود در زمینه مفاد توافقنامه‌های سازمان جهانی تجارت به‌خصوص توافقنامه عمومی تجارت خدمات (گتس) مواردی که با تجارت خدمات آموزش عالی مرتبط بود، استخراج شد. در مرحله بعد با مطالعه تطبیقی در زمینه قوانین، آیین‌نامه‌ها و مقالات موجود در زمینه تجارت خدمات آموزش عالی و جهانی شدن آموزش عالی کشور مطالب و مباحث مرتبط با مفاد توافقنامه گتس استخراج شد. در این پژوهش آن بخش از مباحث بررسی شد که از جنبه حقوقی و مدیریتی جزو دغدغه‌های این حوزه در مسیر پیوستن به سازمان تجارت جهانی تلقی می‌شد و نیازمند برنامه‌ریزی جدی و دقیق برای حضور در بازارهای جهانی بود.

یافته‌ها

الحاق آموزش عالی ایران به سازمان جهانی تجارت

در این بخش وضعیت آموزش عالی ایران از منظر پیوستن به سازمان جهانی تجارت ارائه شده است. با توجه به اینکه عمده برنامه‌ریزیهای کشور در حوزه آموزش عالی از منظر ملی بوده و ساختارهای موجود برای پاسخگویی به نیاز داخلی طراحی شده است، لازم است برای پیوستن به این سازمان ابتدا وضعیت فعلی و مزایای نسبی و چالشهای پیش روی آموزش عالی بررسی و شناسایی شود. مطالعه وضعیت آموزش عالی کشور و بررسی پیش‌نیازها و الزامات و مباحث پیش روی آن برای الحاق به توافقنامه گتس هدف اصلی این پژوهش بوده و از این رو، الزامات آموزش عالی مرتبط با هر یک از اصول کلی سازمان جهانی تجارت و مزایای و چالشهای هر بخش به‌طور جداگانه بررسی شده است.

آموزش عالی ایران و سازمان جهانی تجارت

ساختار آموزش عالی ایران در بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ شرایط بسیار ویژه‌ای داشت. فشار ناشی از افزایش جمعیت سالهای گذشته میزان تقاضای تحصیل در آموزش عالی را افزایش داد و ایران بعد از جنگ هنوز به‌طور کامل آماده رویارویی با این موضوع نبود. آموزش عالی رایگان دولتی دیگر جوابگوی میزان تقاضا نبود و موجب شد که مؤسسات آموزش عالی غیر انتفاعی به سرعت رشد کنند تا بتوانند به این نیاز جامعه پاسخ دهند.

در آن سالها با افزایش کمی که در ظرفیت پذیرش دانشجو، چه در سطح دانشگاههای دولتی و نیمه دولتی و چه در مؤسسات آموزش عالی آزاد، رخ داد و همچنین به‌دلیل عبور پنجره جمعیتی از سن نوجوانی و جوانی به سمت میانسالی، بخش عمده‌ای از فشار تقاضا برای آموزش عالی کاسته شد. هم‌اکنون مجموع صندلیهای آموزش عالی چیزی بیش از یک میلیون نفر در سال شده است و این به معنای برابر شدن عرضه و تقاضا تا مقطع کارشناسی است. این دو عامل؛ یعنی افزایش ظرفیت پذیرش و کاهش تقاضا دانشگاهها را با چالش کمبود دانشجو نسبت به ظرفیت ایجاد شده مواجه ساخت و در این میان، مؤسسات با ساختار و امکانات ضعیف بیشتر با این موضوع درگیر شدند. هم‌اکنون آموزش عالی ایران در حال تغییر از افزایش کمیّت به سمت ارتقای کیفیت سطح خدمات آموزشی و پژوهشی است که این امر نیازمند تأمین منابع مالی است.

در این برهه، جهانی‌سازی برای نظام آموزش عالی ایران هم می‌تواند فرصت محسوب شود و هم می‌تواند تهدید به حساب آید. جهانی شدن می‌تواند موجب افزایش سطح خدمات آموزشی و پژوهشی کشور شود و در صورتی که در این حوزه بتوان با برنامه‌ریزی مدون و با استفاده از سرفصل و منابع جهانی سطح کیفی خدمات را افزایش داد، فرصت محسوب می‌شود. در این صورت، می‌توان برای جذب بخشی از دانشجویان منطقه‌ای و همچنین جذب دانشجو در حوزه مطالعات ایران و جغرافیا و فرهنگ منطقه‌ای برنامه‌ریزی کرد. در غیر این صورت، با توجه به رقابت موجود در این عرصه ممکن است بخش

عمده‌ای از متقاضیان بالقوه خود را نیز از دست بدهیم و این امر موجب شود که دانشجویان ایرانی به سمت دانشگاه‌های خارجی سوق یابند.

آمادگی برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت و توافقنامه گتس می‌تواند دروازه ورود دانشگاهها و مؤسسات آموزشی کشور به بازار خدمات آموزش عالی جهان محسوب شود. در این روند باید ساختار آموزش عالی به سطحی از استانداردهای بین‌المللی برسد که هم موجب ارتقای سطح کیفی تربیت دانشجویان ایرانی شود و هم با توجه به ظرفیت موجود، به کسب درآمد از این حوزه و ایجاد اشتغال بپردازد. علاوه بر مباحث مالی که در سازمان جهانی تجارت از اهمیت بالایی برخوردار است، مباحث فرهنگی و تعاملات فرهنگی و اجتماعی و تکنولوژیکی از دیگر آثار پیوستن آموزش عالی ایران به سازمان جهانی تجارت است (Vaezi & Ghoronyeh, 2011, p. 51).

کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت بعد از پذیرش توافقنامه گتس متعهد می‌شوند که برخی از قوانین کلی سازمان را در زمینه تجارت خدمات بپذیرند و آنها را رعایت کنند. سازمان جهانی تجارت یک سری اصول کلی دارد که تخطی از آن برای اعضا در هر شرایطی امکان‌پذیر نیست. ولی جدول تعهدات که از پایه‌های توافقنامه گتس است، به اعضا این اجازه را می‌دهد تا مواردی را که از قبل پیش‌بینی کرده‌اند، استثنائاً اجرا نکنند یا با شرایط تعدیل یافته‌تری آنها را اجرا کنند (Saadati, 2013, p. 34).

موضوع تجارت خدمات آموزش عالی در توافقنامه چیزی جز مواد و مقررات تجارت خدمات نیست و این بخش مانند سایر بخشها از اصول کلی و روح قوانین سازمان تبعیت می‌کند. فقط مذاکرات دوجانبه بین دولتها و ذکر محدودیتهای دسترسی به بازار و بند رفتار ملی است که حدود و شرایط این قسم از تجارت خدمات را مشخص می‌کند. از این رو، در این پژوهش برای بررسی الزامات آموزش عالی ایران برای پیوستن به این سازمان شرایط و تعهدات ایران با توجه به هر یک از اصول و بندهای آن بررسی شده است.

آموزش عالی ایران و اصل آزادسازی تدریجی تجاری

اصل آزادسازی تجاری یکی از اصول اساسی و مهم سازمان به‌شمار می‌رود. روح کلی حاکم بر سازمان این است که منافع آزادسازی تجاری بیشتر از ایجاد موانع است. در این اصل اعضا متعهد می‌شوند که به کاهش و درنهایت، به حذف تمام موانع صادرات و واردات بجز تعرفه‌های گمرکی اقدام کنند. در زمینه خدمات آموزش عالی نیز قبل از پیوستن به سازمان باید سازکار لازم در این زمینه پیش‌بینی شود (Cottier, 2006). به تدریج باید فضای رقابتی بین مؤسسات آموزش عالی فراهم شود و دولت از تعهدات تکلیفی به دانشگاهها بکاهد و آزادی لازم برای تعیین شهریه‌ها، نوع خدمات و آزادی عمل در حوزه تدوین و برنامه‌ریزی سرفصلهای آموزشی را به دانشگاهها بدهد تا به تدریج ساختار رقابتی در بین آموزش عالی فراهم شود. این موضوع در اصل ادامه فرایند خصوصی‌سازی آموزش عالی است.

بسیاری دیگر از بخشهای اقتصادی و خدماتی که تا مدتها در انحصار دولت بود، در حال خصوصی شدن است، مانند بانکها، بیمه، مخابرات و... بحث خصوصی سازی در آموزش عالی ایران برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ با واگذاری دانشگاه پیام نور به بخش خصوصی مطرح شد. این طرح که به دلیل محدودیت شدید منابع مالی دولت به مجلس ارائه شده بود، تصویب نشد. در این خصوص ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و نمود آن در برنامه چهارم توسعه تأکیدی بر ادامه سیاستهای اعمال محدودیت تصدیگری دولت و واگذاری فعالیتهای اقتصادی دولت به بخش خصوصی است. ابلاغ سیاستهای این اصل می تواند زمینه های لازم را در اجرای خصوصی سازی در دانشگاهها فراهم سازد (Rabiee & Nazariyan, 2012, p, 179). البته، با تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی از سال ۱۳۶۱ آموزش عالی در مسیر خصوصی سازی قرار گرفت، اما تا کنون بنا به دلیل حجم تقاضای ورود به دانشگاهها فضای رقابتی به معنای کامل آن شکل نگرفته است؛ اما در آینده با کاهش جمعیت متقاضی پیش بینی می شود فضای رقابتی نیز شکل بگیرد و از این رو، لازم است فضای لازم برای دانشگاهها در جهت ایجاد جذابیت و تنوع خدمات فراهم شود. هر چند که به نظر می رسد از نظر قانونی مشکلی در این زمینه وجود نداشته باشد، ولی دانشگاهها به طور جدی برای این موضوع برنامه ریزی نداشته اند.

ایجاد فضای رقابتی بین دانشگاهها در میان طرفداران آموزش رایگان و مخالفان نابرابریهای آموزشی مخالفان زیادی دارد، ولی لازم است شکل حمایت از قشرهای آسیب پذیر در زمینه آموزش عالی تغییر پیدا کند و یارانه به جای تعلق به دانشگاههای مجری، به دانشجویان منتخب اعطا شود. علی رغم این مخالفتها، حرکت به سمت فضای رقابتی در آموزش عالی زمینه لازم برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت است تا در مسیر الحاق، دانشگاهها با کمترین چالش بتوانند در فضای رقابتی بین المللی فعالیت کنند.

آموزش عالی ایران و اصل عدم تبعیض

اصل عدم تبعیض ناظر بر این رفتار دولتهاست که بین خدماتی که کشورهای مختلف در حوزه تجارت کالا و خدمات ارائه می کنند، نباید تبعیضی وجود داشته باشد. این اصل از اصول زیربنایی سازمان به حساب می آید و قوانین سختگیرانه ای برای تضمین اجرای آن پیش بینی شده است. این اصل به وسیله دو اصل رفتار دولت کامله الوداد و اصل رفتار ملی تجلی می یابد.

اصل رفتار دولت کامله الوداد در زمینه آموزش عالی: مطابق این اصل تبعیض بین تجارت کالاها، ارائه خدمات و اعضای توافقنامه حقوق مالکیت فکری عضو سازمان جهانی تجارت منع می شود. این اصل در ماده ۱ توافقنامه عمومی تعرفه تجارت (گات)، ماده ۲ توافقنامه عمومی تجارت خدمات (گتس) و ماده ۴ توافقنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری^{۲۱} (تریپس)^{۲۲} به صراحت پیش بینی شده است (Saadati, 2013, p. 14).

21. Trade- Related Aspects of Intellectual Property Rights

این اصل هرگونه تبعیض میان اعضای سازمان را در نحوه اعطای مجوزها و امتیازها توسط یک کشور ثالث منع می‌کند. بدینسان هرگونه امتیازی که به یک کشور اعطا شود، تمام اعضا می‌توانند امتیازی مشابه آن را از همان کشور مطالبه کنند و این از حقوق اعضای سازمان محسوب می‌شود و هیچ کشوری حق تخطی از آن را ندارد. اگر برای مثال، کشور ایران به دانشگاه آکسفورد اجازه تأسیس شعبه‌ای در خاک کشورش را اعطا کند، دیگر نمی‌تواند به دانشگاه میشیگان آمریکا، سوربن فرانسه یا هر دانشگاه دیگری که کشورش عضو این سازمان است، اجازه تأسیس شعبه را ندهد. در واقع، تأسیس شعبه دانشگاه آکسفورد برای تمام اعضا این حق را ایجاد کرده است. اما در عمل تعهد به اجرای این اصل برای همه کشورها امکان‌پذیر نیست و به‌خصوص در موضوع آموزش عالی که با فرهنگ و شاکله سیاسی کشور ارتباط تنگاتنگی دارد و نیروی کار متخصص آینده کشور را تأمین می‌کند، نمی‌توان مانند یک صنعت برخورد کرد. این نگرانیها در زمان تنظیم توافقنامه پیش‌بینی و راهکارهایی برای آن ارائه شده است. در موضوع رقابت بین مؤسسات آموزش عالی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، اصل رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه که در ذیل بند پنج توافقنامه سازمان جهانی تجارت بیان شده است، این امکان را به کشورهای در حال توسعه می‌دهد که علاوه بر استفاده از امکان آزادسازی تدریجی خدمات آموزش عالی خود، بتوانند از کمکهای فنی سازمان و کشورهای توسعه یافته استفاده کنند و تعهدات کمتری در خصوص ورود مؤسسات آموزش عالی آن کشورها متقبل شوند و در عین حال، بتوانند به‌طور کامل به بازار خدمات آموزش عالی آن کشور وارد شوند (Pakdaman, 2000). برای مثال، با استفاده از این اصل کشور ایران می‌تواند به بازار خدمات آموزش عالی کشور مثل بریتانیا یا انگلستان دسترسی داشته باشد و در بالاترین سطح آن به ایجاد شعبه‌ای از دانشگاه اقدام کند، ولی برای این کشورها فقط اجازه استفاده از بازار آموزش عالی خود به‌صورت محدودتری مانند حضور اشخاص را صادر کند.

گفتنی است که بسیاری از شرایط استثنا از اصول سازمان به‌صورت موقت به اعضای ویژه اعطا می‌شود و کشورهای مذکور باید در یک فرایند زمانی برای هماهنگی کامل با اصول سازمان اقدام کنند که این اصل نیز جزو آن دسته محسوب می‌شود. در این صورت، کشور ایران نمی‌تواند برای همیشه حضور مؤسسات آموزش عالی کشورهای توسعه یافته را در خاک خود محدود کند و حتماً باید برای پایان این شرایط ویژه برنامه زمانی تعیین شود و این برنامه زمانی در مجمع عمومی و همچنین در توافقنامه‌های تجاری دوجانبه بین اعضا پذیرفته شود.

یکی دیگر از چالش‌دولتها در مواجهه با این اصل مربوط به روابط سیاسی کشورهاست که در بسیاری از موارد مباحث اقتصادی و تجاری را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. برای مثال، رابطه سیاسی ایران با رژیم صهیونیستی یا روابط پرتنش ایران با ایالات‌متحده یکی از این موارد است. الحاق کشور ایران به سازمان تجارت ممکن است به تعدیل بخشی از تحریمهای یکجانبه آمریکا به ایران منجر شود، ولی در

خصوص رژیم صهیونیستی باید این موضوع در فهرست محدودیتهای ایران قید شود. مباحثی که قبل از لازم‌الاجرا شدن توافقنامه در متن آن گنجانده شود، موجب سلب حق اعتراض از کشورهای ذی‌نفع می‌شود.

استثنای شرط دولت کامله‌الوداد در زیربخش خدمات آموزش عالی را فقط سه عضو متعهد؛ یعنی اتحادیه اروپا، لیختن‌اشتاین و ترکیه برقرار کرده‌اند. بیشتر این استثنائات به رفتارهای ترجیحی بر اساس توافقنامه‌های دوجانبه مربوط می‌شود که توافقنامه هم در ماده ۵ اجازه انعقاد چنین توافقنامه‌هایی را داده است. مطابق توافقنامه‌های دو جانبه، طرفین مجاز خواهند بود که با یکدیگر رفتاری متفاوت با دیگر اعضا داشته باشند. این رفتارهای ترجیحی عموماً به جابه‌جایی اشخاص به‌طور طبیعی، افزایش سرمایه‌گذاریها و حمایت از آنها و حق تأسیس به دست اشخاص حقوقی مربوط می‌شوند (Saadati, 2013, p. 99).

اصل رفتار ملی در زمینه آموزش عالی: این اصل که ذیل ماده ۱۷ توافقنامه عمومی تجارت خدمات سازمان عنوان شده، ناظر بر این موضوع است که عضو سازمان باید با عرضه‌کنندگان خدمات خارجی (غیر ملی) رفتاری مشابه با رقبای داخلی داشته باشد؛ بنابراین، کشورهای عضو نباید سیاستی را اتخاذ کنند که به‌واسطه آن امتیازی به یک محصول و خدمات داخلی داده شود یا یک محصول و خدمات خارجی را از آن محروم سازد (Horn, 2004). اصل تضمین‌کننده ایجاد شرایط رقابتی بین شرکتها و مؤسسات داخلی و خارجی یک عضو است.

در موضوع تجارت خدمات آموزش عالی، طبق قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور حمایت از نهادهای آموزشی و پژوهشی قوانین و بخشنامه‌های وجود دارد که شرایط فعالیت این‌گونه مؤسسات را از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر و به‌صرفه می‌کند، مانند معافیت مالیاتی مؤسسات آموزش عالی (ماده ۱۳۴ قانون مالیاتهای مستقیم^{۲۳} و ماده ۱۲ قانون مالیاتهای بر ارزش افزوده)^{۲۴}، تعرفه‌های آموزشی در بخش انرژی، آب، برق و گاز طبیعی و همچنین یارانه‌های دولتی و اعطای وامهای کم بهره به حوزه آموزش عالی از موارد حمایتی دولت از این‌گونه مؤسسات است (ماده ۱۷، ۲۰ و فصل نهم قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران) که بعد از الحاق به سازمان جهانی تجارت، همه این موارد جزو مصادیق انحراف از قانون اصل رفتار ملی به‌شمار می‌رود. این‌گونه امتیازات که به این بخش اعطا می‌شود، از یک سو با توجه به اصل منافع ملی قابل اعطا به مؤسسات آموزش عالی خارجی نیست و از سوی دیگر، ناقض قانون روح رقابتی توافقنامه است. ولی ماده ۱۷ این اجازه را به اعضا می‌دهد که بخشهای خاصی از خدمات را از شمول این تعهد خارج سازند و بنابراین، اعضا می‌توانند در مواردی که در جدول تعهداتی خود مستثنا کرده‌اند، رفتاری متفاوت بین خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات داخلی و خارجی داشته باشند (Saadati, 2013, p. 99). در این زمینه باید مواردی که طبق قوانین داخلی برخوردار از آنها برای

23. <http://www.intamedia.ir/Laws/ShowLawsM.aspx?mnu=411341>

24. <http://www.intamedia.ir/Laws/ShowLawsV.aspx?mnu=120123>

مؤسسات آموزش عالی حق محسوب می‌شود و امتیاز نسبی این‌گونه مؤسسات است، با مذاکره در جدول تعهدات حل و فصل شود. در غیر این صورت، این حق برای تمام مؤسسات خارجی ایجاد خواهد شد که از یارانه‌های ملی برخوردار شوند.

تدارکات دولتی در زمینه آموزش عالی ایران

بند ب ماده ۱ توافقنامه گتس در تشریح خدمات مشمول توافقنامه بیان می‌کند که «خدمات شامل هر نوع خدمتی و در هر بخشی به‌استثنای خدمات عرضه شده در چارچوب اعمال اختیارات دولتی است» و در بند ج منظور از خدمات دولتی این‌گونه شرح داده شده است: «خدمت عرضه شده در چارچوب اعمال اختیارات دولتی به معنای هر خدمتی است که نه بر مبنای تجاری عرضه شود و نه در رقابت با یک یا چند عرضه‌کننده خدمت باشد». در ماده ۱۳ این توافقنامه «مقررات مربوط به مواد ۲، ۱۶ و ۱۷ در باره قوانین، مقررات یا الزامات حاکم بر تدارکات خدمات توسط مؤسسات دولتی برای مقاصد دولتی و نه به‌منظور فروش مجدد تجاری یا به قصد استفاده در عرضه خدمات برای فروش تجاری قابل اعمال نخواهند بود» (<http://irtr.gov.ir/Default.aspx?tabid=3970>)، را در ذیل مجموعه تدارکات دولتی تشریح شده است. این بخش از خدمات از موارد چالش برانگیز الحاق آموزش عالی ایران به سازمان است.

موضوع این بند دانشگاه‌های دولتی به‌خصوص در بخش پذیرش دانشجو در دوره روزانه است که تمام هزینه‌های تحصیل دانشجویان در بودجه عمومی در قالب بودجه‌های سنواتی به دانشگاه‌های دولتی اعطا می‌شود. موضوع دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از جمله پیچیده‌ترین مباحث الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود و با مواد ۱۳، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ این توافقنامه و با هر کدام از مواد توافقنامه به نوعی مرتبط است. این نوع از مؤسسات آموزش عالی کشور (دوره‌های شبانه، نیمه‌حضوری، پردیسهای مجازی و بین‌المللی دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه پیام نور و دانشگاه جامع علمی و کاربردی) که به‌دلیل دریافت شهریه و رقابت با مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی با توجه به بند ۳ ماده ۱ گتس مشمول بند «مبانی تجاری» هستند، ذیل ماده ۱۳ «تدارکات دولتی» قابل بررسی نیست. ولی نحوه اداره این مؤسسات با توجه به اینکه از مجموعه امکانات دولتی استفاده می‌کنند و درآمدهای به دست آمده از فعالیت آنها نیز به حسابهای متمرکز دولتی واریز می‌شود، از منظر تجارت آزاد و محیط رقابتی ارائه خدمات ابهاماتی دارد. در این مؤسسات دولت در قامت کارفرما و صاحب بنگاه ظاهر می‌شود و علاوه بر اینکه شرایط رقابتی برای مؤسسات آموزش عالی داخلی را نقض می‌کند، ناقض اصل رفتار ملی سازمان نیز محسوب می‌شود و ضروری است مباحث موضوع پذیرش دانشجو و اداره این‌گونه مؤسسات و بخشهای دانشگاه‌های دولتی مطرح و برای آنها راه‌حلهای لازم پیش‌بینی شود.

موضوع دانشگاه‌های ملی و پذیرش دانشجویان در دوره روزانه ذیل ماده ۱۳ قابل بررسی است و با توجه به اینکه مبانی تجاری نیست، بنابر اصل دوم و سی‌ام قانون اساسی ایران، تکلیف دولت محسوب

می‌شود. موضوع آموزش رایگان امتیازی است که به دانشجویان پذیرفته شده تعلق می‌گیرد و دانشگاه‌های ملی به‌عنوان مجری این قانون فعالیت می‌کنند و لذا، با استناد به ماده ۱۳ گتس این بخش از فعالیتهای دولتی مشمول بند رفتار ملی نمی‌شود. به نحوه رفتار دولت و دانشگاهها در موضوع آموزش رایگان باید به متن توافقنامه و جدول تعهداتی کشور با سازمان و همچنین به هر یک از اعضا توجه و در صورت لزوم آیین‌نامه‌های اجرایی این موضوع اصلاح شود.

یارانه و تجارت آموزش عالی ایران

بی‌شک، یارانه‌هایی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به حوزه آموزش عالی تخصیص داده می‌شود (Kamjo Jalili, 2012)، مزیت نسبی این‌گونه فعالیتهای اقتصادی است و دولت به‌منظور ارتقای سطح سرمایه انسانی کشور ناگزیر از اعطای این یارانه‌هاست. این موضوع از دید سازمان جهانی تجارت نیز مغفول نمانده است و در ماده ۱۵ ضمن اینکه اعطای آن را مغایر با اصول تجارت آزاد می‌داند، در عین حال نقش یارانه‌ها در خصوص برنامه‌های توسعه کشورهای در حال توسعه را تأیید و تضمین می‌کند که «نیاز اعضا به‌ویژه کشورهای در حال توسعه عضو را برای برخورداری از انعطاف در این زمینه در نظر خواهد گرفت». اما اعضا موظف هستند که اطلاعات این یارانه‌ها را به سازمان و شرکای تجاری خود ارائه کنند (<http://irtr.gov.ir/Default.aspx?tabid=3970>).

ارائه اطلاعات در باره یارانه‌های اعطایی به بخش آموزش عالی کشور علاوه بر اینکه استثنائات این حوزه با موضوع ماده «رفتار ملی» را مشخص می‌کند و برای مؤسسات خارجی حق برخورداری از این مزایا را منع می‌کند، در برهه زمانی که سازمان اجازه این رفتار متفاوت با مؤسسات داخلی را صادر کرده است، فرصتی را برای ساختار آموزش داخلی فراهم می‌کند که تا یک بازه زمانی مشخص علاوه بر رقابت با مؤسسات خارجی، ساختار مدیریتی و مالی خود را بازسازی کند و به مرور از اتکا به این یارانه‌ها بکاهد.

اصل دسترسی به بازار و آموزش عالی ایران

ماده ۱۶ توافقنامه گتس اعضا را موظف کرده است تا به منظور دسترسی به بازار از طریق روشهای عرضه تعیین شده در ماده ۱، هر عضو رفتاری را در خصوص خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات اعضای دیگر در پیش بگیرد که بر اساس رفتار مقرر بر اساس ترتیبات، محدودیتها و شرایط توافق و تعیین شده در جدول آن باشد (<http://irtr.gov.ir/Default.aspx?tabid=3970>). در این ماده تأکید شده است که هرگونه محدودیت در حوزه فعالیت تجاری باید رفع شود و در دسترسی به بازار خدمات آموزش عالی، اعضا باید هرگونه محدودیتی را که بر تعداد عرضه‌کنندگان خدمات چه به‌صورت سهمیه‌های عددی، انحصارات یا در قالب الزامات ناشی از یک نیازسنجی اقتصادی، محدودیت در کل ارزش مبادلات خدمات آموزش عالی، تعداد کل عملیات خدمات یا مقدار کل ستانده خدماتی، محدودیت در باره کل اشخاص حقیقی که می‌توانند به‌عنوان استاد یا حتی کارمندان یک مؤسسه آموزشی در بخش

خدمات آموزش عالی فعالیت کنند و در نهایت، محدودیتهایی را که برای تأسیس نهادهای آموزشی ایجاد می‌شود، حذف یا از قبل مشخص کنند (Saadati, 2013, p. 100).

اعضا در صورتی می‌توانند برای دسترسی به بازار محدودیتهایی را اعمال کنند که در مذاکره‌هایی که با دیگر اعضا دارند، به آن اشاره و در جدول تعهداتی خود درج کرده باشند. در حال حاضر، در ساختار آموزش عالی ایران در برخی از زمینه‌ها مانند پذیرش دانشجو، سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی مدارک تحصیلی، اداره مؤسسات و ... آیین‌نامه‌های خاصی وجود دارد، مانند ممنوعیت پذیرش آقایان در رشته مامایی یا ممنوعیت پذیرش اتباع خارجی در برخی از رشته‌های حساس یا دارای تعهدات استخدامی برای جمهوری اسلامی. علاوه بر این، هر کشوری ممکن است بر اساس مزیت‌های نسبی هر منطقه رشته و پذیرش به صورت منطقه‌ای دایر کند. باید قبل از الحاق به سازمان فهرستی از مواردی که با اصل دسترسی به بازار در تناقض هستند، تهیه و در مذاکرات دوجانبه و تنظیم جدول تعهدات به آنها استناد شود.

تهیه و اجرای طرح آمایش آموزش عالی کشور باید به صورت جدیدتری برای حصول به نتیجه پیگیری شود. تهیه این سند می‌تواند در ارائه راهبردهای کلی و بخشی در حوزه آموزش عالی در فرایند الحاق به گنس کمک کند. سند آمایش آموزش عالی یک سند بالادستی است که مزیت‌های نسبی هر منطقه، وظایف و تکالیف ملی و منطقه‌ای هر دانشگاه، نحوه توزیع رشته‌های دانشگاهی، نحوه پذیرش دانشجو و به کارگیری آنها را مشخص می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

تجارت جهانی خدمات و پیوستن به سازمان جهانی تجارت فرصتی برای ملتهاست تا از مزایای تجارت آزاد کالا و خدمات بهره‌مند شوند، ولی در عمل بسیاری از ساختارهایی که با تفکرات و الزامات ملی‌گرایی طراحی شده‌اند، در روندی سامانمند و رسمی به سهولت تغییر پیدا نمی‌کنند و همیشه موانع و چالش‌هایی برای این امر وجود دارد. این موضوع برای کشورهای در حال توسعه که بیشتر مواقع پیرو سیاست‌ها و راهکارهای کشورهای توسعه یافته هستند، به مراتب سخت‌تر و چالش‌برانگیزتر است. روند جهانی شدن بسیاری از مباحث فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دستخوش دگرگونی و تغییر کرده است، از این رو، در کشورهای در حال توسعه لازم نیست با تفکر رادیکالی و نگاه ملی‌گرایانه به موضوعات جهانی نگرسته شود. به هر حال، همه ملل در یک دهکده جهانی زندگی می‌کنند و هر روز هم نزدیکی آنها به همدیگر بیشتر می‌شود. انکار واقعیت‌های جهانی و دور ماندن از معادلات جهانی شدن الزاماً تأمین‌کننده منافع ملی کشور نیست. برنامه‌ریزی برای حضور فعال در سازمان‌های جهانی تجربه‌ای بود که در سالیان اخیر منافع بسیاری را نصیب کشورهای آسیایی مانند کره جنوبی، مالزی، سنگاپور و

ترکیه کرده است و تجربه این کشورها نشان می‌دهد که حضور با برنامه در این سازمانها می‌تواند به توسعه کشور و روند تأثیرگذاری آنها در بازارهای جهانی و بالطبع معادلات سیاسی منجر شود. سازمان جهانی تجارت یکی از دروازه‌های ورود کشورها به بازارهای جهانی است. رهنمودها و اصول این سازمان به کشورها برای دستیابی به سطح استاندارد تولید کالا و ارائه خدمات در مقیاس جهانی کمک می‌کند. زمان زیادی از اجرایی شدن تجارت جهانی خدمات، که یکی از اهداف و بخشهای این سازمان است، نگذشته است، ولی به سرعت کشورهای عضو این توافقنامه در حال افزایش است. جمهوری اسلامی ایران در آستانه پیوستن به این سازمان قرار دارد و بخش آموزش عالی یکی از بازارهایی است که امکان برنامه‌ریزی برای حضور مؤسسات آموزش عالی کشور در آن وجود دارد. لازمه حضور موفقیت‌آمیز در این ساختار برنامه‌ریزی و اجرای دقیق برنامه‌هاست که در غیر این صورت، علاوه بر اینکه از منافع عضویت در این سازمان محروم خواهیم شد، بازار خدمات آموزش عالی را نیز به مؤسسات خارجی واگذار خواهیم کرد.

در این پژوهش سعی شد با بررسی تطبیقی شرایط آموزش عالی کشور با قوانین سازمان جهانی تجارت، الزامات اولیه پیوستن آموزش عالی ایران به بازار جهانی تجارت خدمات این حوزه در قالب توافقنامه گتس بیان شود. در این پژوهش با مطالعه مباحث کلی توافقنامه گتس در زمینه آموزش عالی و تطبیق آن با شرایط آموزش عالی کشور، موارد عینی و چالشهای الحاق ایران به این توافقنامه بررسی شده است. مباحث بنیادی سازمان جهانی تجارت در حوزه تجارت خدمات مانند اصل آزادسازی تدریجی تجاری، اصل عدم تبعیض، اصل رفتار دولت کامله‌الوداد، اصل رفتار ملی، موضوع تدارکات دولتی، یارانه‌ها و اصل دسترسی به بازار با تأکید بر مسائل حوزه آموزش عالی کشور به صورت کلی بررسی و الزامات هر مورد بیان شد. موارد ذکر شده فقط مباحث کلی است و تجارت آموزش عالی و پیوستن به سازمان جهانی نیازمند پژوهشی جامع‌تر و تدوین نظام حقوقی جدول تعهداتی مفصل است.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش سعادت‌تی (Saadati, 2013) از این منظر که هر دو پژوهش به مباحث کلی توافقنامه گتس در زمینه تجارت خدمات آموزش عالی پرداخته‌اند، همسویی دارد. در هر دو پژوهش با بررسی تطبیقی وضعیت حقوقی حاکم بر آموزش عالی ایران با اصول و مقررات تجارت خدمات در ساختار سازمان جهانی تجارت، راهکارها و الزامات مورد نیاز در برای ورود و حضور در این بازار و مباحث بنیادی سازمان جهانی تجارت در حوزه تجارت خدمات مانند اصل آزادسازی تدریجی تجاری، اصل عدم تبعیض، اصل رفتار دولت کامله‌الوداد و اصل رفتار ملی بررسی شده است.

در این پژوهش مانند پژوهش اویوباجو اکوناگا و همکاران (Okunuga et al., 2013) تأیید شد که جهانی شدن آموزش فرصتی برای آموزش عالی کشورهای در حال توسعه است که بتوانند وضعیت آموزش خود را ارتقا دهند و به سطح استاندارد کشورهای پیشرفته نزدیک شوند.

پیشنهادها

با توجه به اینکه جهانی شدن و بین‌المللی شدن در این برهه زمانی یکی از برنامه‌های اصلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور است، پیشنهاد می‌شود که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به عنوان متولی آموزش عالی ایران، کمیته‌ای با حضور مسئولان و کارشناسان حوزه حقوق بین‌الملل، متخصصان و استادان حوزه آموزش عالی، کارشناسان دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی و پژوهشگران مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی تشکیل دهد تا به بررسی دقیق و همه جانبه درباره ابعاد پیوستن آموزش عالی به سازمان جهانی تجارت بپردازند و جدول تعهداتی کشور با سازمان و همچنین با هر یک از اعضا را تهیه کنند.

همچنین پیشنهاد می‌شود دانشگاههای مطرح کشور که از توان علمی و زیربنایی کافی در زمینه حضور در ساختار تجارت جهانی برخوردارند، در این زمینه برنامه‌های خود را تدوین کنند و با بررسی وضعیت موجود و برنامه‌ریزی در این خصوص، آمادگی کافی برای پیوستن به تجارت جهانی آموزش عالی را داشته باشند.

References

1. Arasteh, H.R. (2008). Globalization and higher education in a changing world. *Rahyaf Journal*, (42) (in Persian).
2. Bendriss, R. (2007). Internationalization efforts at state universities in Florida. (Doctoral dissertation). The University of Central Florida, Orlando, Florida Retrieved from ProQuest Dissertations & Theses database. (UMI No. 3377799).
3. CARICOM (2002). *The statistics sub-programme information and communication programme Caribbean community (caricom) secretariat*. Georgetown: CARICOM Secretariat.
4. Childress, L.K. (2009). Internationalization Plans for Higher Education Institutions. *Journal of Studies in International Education*. 13
5. Cottier, T. (2006). From progressive liberalization to progressive regulation in WTO law. *Journal of International Economic Law*, 10.
6. Dabirimer, A. (2006). Globalization and national development. *Rahbord Yas*, (4) (in Persian).
7. Donya-e-eqtasad (2011). Personal and social benefits of investment in higher education. *Donya-e-eqtasad Dilly*, No. 3206 (2 December 2012) (in Persian).

8. Horn, H. (2004). *National treatment in the GATT/WTO*. Stockholm: Institute for International Economic Studies.
9. Kamjo Jalili, S.P. (2012). Purposivism importance of public education subsidies. *Donya-e-eqtasad Dilly*, No. 2646, 21 May 2012, (in Persian).
10. Knight, J. N. (2004). Internationalization remodeled: Definitions, approaches, and rationales. *Journal of Studies in International Education*.
11. Knight, J. N. (2006). Cross border education: An analytical framework for program.
12. Naderi, A., & Esmailiniya, N. (2011, April). Internationalization of higher education and academic quality improvement. 5th Conference on Quality Assessment in University System, 27 April 2011. Tehran, Iran (in Persian).
13. OECD (2007). *Science technology industry business and industry policy forum series: The service economy*. Paris: OECD Publication.
14. Okunuga, O. A., Opara, A.I., & Iyiegbuniwe, J. C. (2013). Effect of globalization on higher education: WTO/GATS and cross-border provision of higher education in Nigeria. *IOSR Journal of Mathematics (IOSR-JM)*. 7(2).
15. Pakdaman, R. (2000). *Special treatment of developing countries in the WTO*. Tehran: Institute for Trade Studies and Research (in Persian).
16. Rabiee, A., & Nazariyan, Z. (2012). Barriers to privatization of higher education in providing solutions to fix them. *Iranian Higher Education*. No.15 (in Persian).
17. Rezghi Shirsavar, H., & Pirayanndeh, P. (2011). Assessment of Iran higher education in the process of globalization. *Strategic Study of Globalization Journal*, 2(5) (In Persian).
18. Saadati, S. Z. (2013). *Trade in higher education service in world trade organization (WTO)*. (Thesis Master). Faculty of Law, the University of Qom (in Persian).
19. Sabaghyan, A. (2007). Familiarity with the world trade organization (WTO). *Hamshahrionline*, May 5 (in Persian).
20. The WTO and the Millennium Development Goals (2014). Retrieved from http://www.wto.org/english/thewto_e/coher_e/mdg_e/mdg_e.htm.

21. Teymuri, S. (2013). An assessment on the globalization center managers and experts viewpoints on cultural-educational challenges facing education & training in the world. *Strategic Study of Globalization Journal*, 4(11) (in Persian).
22. Tilak, J.B.G. (2011). *Trade in higher education: The role of the general agreement on trade in services (GATS)*. Paris: UNESCO.
23. Toffler, A. (1981). *The third wave*. London: Pan Books Ltd.
24. UK Higher Education International Unit (2013). *International higher education in facts and figures*. London: UK Higher Education International Unit.
25. Vaezi, M., & Ghoronyeh, D. (2011). Culture, globalization and higher education. *Barge Farhangh*, (21) (in Persian).
26. Vik, A. (2006). *Higher education and gats regulatory consequences and stakeholders' responses*. CHEPS/UT.
27. Zolghadr, H., & Ghasemzade Araghi, M. (2014). Social networks, exhibitivite of global village. *Culture and Communication*, 2(8) (in Persian).